



۲۰۱۸/۱۱/۱۰

ملالی موسی نظام

## که دستی هست بالای دست تو هم

به ارتباط تعزیرات اقتصادی شدید امریکا بر ایران



© picture-alliance/Ton Koene

افغانان مهاجر در ایران، به حکم مقامات گوناگون ایرانی هر زمانی که آنها بخواهند باید خاک آنکشور را ترک بگویند

دولت امریکا با اعلامیه مقام ریاست جمهوری از نیمه شب یکشنبه چهارم نوامبر، به تعزیرات استثنایی و شدید اقتصادی که در نظر داشت تا بر رژیم فاسد و غیر انسانی آخوند های ایرانی وارد آورد، جامه عمل پوشید. به اساس این بلوکات اقتصادی، نه تنها سرمایه ها و داد و ستد های تجاری و بانکی ایران و تبادلات پولی آنکشور در خاک امریکا به رکود مواجه میگردد، بلکه اکثریت ممالک جهان که قرار داد های بانکی، معاملات نفتی و ده ها بستگی های تجاری با ایران داشته اند، «باید» نقطه پایانی بر همه آنها بگذارند.

اطلاعات روز افزون مشعر است که تعداد زیادی از ممالک جهان حتی قبل از اعلام رسمی اخیر، حسابات تجاری و قرار داد های گوناگون و مخصوصاً معاملات بانکی زیادی را با ایران خاتمه گشته اعلام نمودند. صد ها کمپنی و شرکت خارجی که در ایران فعالیت داشتند، همه با فسخ معاملات و فعالیت خاک ایران را ترک نمودند. کمپنی های حمل و نقل زمینی، هوایی و بحری خارجی اکثر ممالک نه تنها دیگر در آنکشور فعال نیستند، بلکه بالمقابل از جانب ایران هم در خاک خودشان موجودیت و سایط نقلیه را نمی پذیرند.

بهر حال با این اقدام بزرگ اقتصادی، از بحث در مورد مفاد و مضار آن که هر روز در مطبوعات منتشر می‌گردد می‌گذریم و مختصری را در مورد آنچه رژیم مفلوک و متظاهر آخوندی در حق پناه‌گزینان آزردہ دل افغان روا داشته می‌پردازیم که واقعاً این ددمنشان انسان نما که دم از اسلامیت و انسانیت می‌زنند، از دستی که بالای دست آنان قرار داشت کاملاً منکر بوده اند.

با در نظر داشت احتیاجات روز افزون ممالک جهان به منابع نفتی، مشاهده گردیده است که اولیای امور بعضی از کشورهایی که از ذخیره گاز و پترول غنی بوده و از فروش آن عایدات زیادی بدست می‌آورند، نه تنها چنان سرمایه خدا داد را در راه خیر و صلاح مردم خویش، بلند بردن عاید ملی و بهبودی اوضاع اقتصادی سرزمین شان به کار نمی‌برند، بلکه با کجروی ها و بلند پروازی های غیر مجازی در صدد رقابت، قدرتمند شدن و پا از گلیم خویش فراتر گذاشتن می‌گردند.

جای شکی نیست که سرمایه نفتی ایران و خیالات زور آزمایی و قدرت طلبی یک مملکت در حال رشد، با اینهمه مداخلات در امور جنگ و صلح در منطقه، اوضاع سیاسی و اجتماعی خراب همسایگانی چون عراق، افغانستان، سوریه و امثالهم، آن رژیم مفلوک را به این باور آورده است که برای بر آورده شدن رویای مجازی تشکیل یک «ایران بزرگ» همان به که امروز «حزب الله» را در لبنان تحریک و مسلح و تقویه نماید، روز دیگر با حمایت از «بشار الاسد»، در جوار روسیه مرکز فیر و تهیه راکت برای کشتار مخالفین دولت را در خاک سوریه بسازد و فردا اسلحه روسی و ساخت ایران را به «طالبان و حوثی» های یمن برساند.

از لحاظ حق همسایگی و اساسات حقوق بشر و مخصوصاً حقوق حقه بین المللی پناهندگان، در پهلوی کمک و مسلح ساختن طالبان، آنچه را ایران درین چهل سال جنگ ها و بیچارگی ملت افغان در حق مردم مظلوم کشور ما در سرزمین خود روا داشته است، جز پامال حقوق آن بینوایان و تخطی از رسوم همسایگی و مسلمانی و امکانات حقوقی، چیز دیگری نبوده است.

اوضاع آسف بار و ناهنجار نسل جوان و مهاجر افغان که با حيله گری و شتارت های شرم آور از تعلیم و آموزش که حق مسلم هر یک آنان به اساس اعلامیه ارزشمند حقوق بشر بوده است، به دور مانده و بلا تکلیفی، حسرت و ناامیدی دردناکی را خود و خانواده های شان متحمل گردیده اند، داستان درد آور محرومیت دو نسل مهاجر افغان می باشد. قصه های تلخ و حتی فیلم های مستندی که درین زمینه انتشار یافته است، از باور بدور است.

حیات کارگر پرکار و زحمت کش افغان که از جور روزگار به خاک نا پاک ایران پناهنده گردیده و با قوت لایموتی که بدست ما آورد و تناسبی به زحمات وی نمیداشته باشد، آنقدر تأثر آور است که انسان را بیشتر به یاد کمپ های اسیران جنگ های غیر بشری دکتاتوران استعمار گر قرن گذشته می اندازد. چه حوادث رقتباری را بیاد می آوریم که همین کارگر های افغان مهاجر زمانیکه به منزل بر میگردند، عایله شان از خرد و بزرگ بیخبر و با عنف به سرحد افغانستان انتقال یافته و بی سرنوشت «رد مرز» گردیده اند..... در چه زمستان های سردی گروه گروه افغانان مهاجر از ورای سرحد به خاک شان با دد منشی مطلق پرتاب می‌گردند؟!

البته ایران خود با موجودیت رژیم آخوندی و نهایت بیرحم و مستبد و مظالمی که بر دانشمندان، مخالفین رژیم، روشنفکران و حتی متعلقین به ادیان و مذاهب غیر تشیع، حتی مسلمانان اهل سنت در سرزمین خویش وارد مینماید، در جهان و در ردیف ناقضان حقوق بشر، در صف بالایی قرار دارد، چنانچه با اقدام آن دولت به اعدام

های بدون محکمه و کشتار های بی بازخواست خود سرانه که متأسفانه تعدادی جوان نامراد افغان هم قربانی این عمل هستند، به شهرت رسیده است!

این کشور حتی از ارسال جوانان بی سرنوشت افغان به منظور جنگ با مردم سوریه و جناح مخالف آن دولت دریغ نمی نماید و آن بینوایان را با وعده های فریبنده قبول اقامت رسمی و امثالهم به سرنوشت نامعلومی به میدان کار زار گسیل میدهد.

درین شکی نیست که در هر سرزمینی کتله های انسانی با خواص اخلاقی و اجتماعی متفاوت بسر میبرند، ایران البته که مردم شریف و دلرحمی هم دارد که باید اسم اقلیت گروگان گرفته را بر آنان گذاشت، ولی آنچه درین چهار دهه به مشاهده رسیده و ظلم و تعدی ای که بر مهاجرین و پناه گزینان همسایه شرقی ملت ایران عارض گردیده است، از احساس غیر انسانی اکثریت مردم ایران حکایت می نماید، مخصوصاً که خشونت ها و مظالم گوناگون و بی حسابی که در هر گوشه ای از آن کشور و در هر موردی بر افغانان بینوا تحمیل میگردد، این ادعا را ثابت میسازد. چندی قبل در شیراز، یعنی در سرزمین حضرت سعدی «ع» که بنی آدم را اعضای یکدیگر باور مینمود، کارگران افغان را در محضر عام و بدون شرمندگی با قباحت، در قفس حیوانات به نمایش گذاشته بودند و مردم با خونسردی و بی اعتنائی از کنار آنان رد میشدند!

فراموش نمی کنیم که بدون شک ایران یکنوع خیانت مشهود و تجاوز آشکارا را از آغاز قرن و حتی قبل از آن با ارسال جاسوسانی چون «چنگیز پهلوان» نزد عمال شورای نظار - مسعود و ربانی جهت نفوذ بر اجتماع ویران افغانستان، تخریب جامعه و کلتور اصیل افغانی آغاز نموده است و البته با خرید و رشوه دهی عمال مزدور و بی شخصیت افغانی در مورد تخریب لسان ارزشمند دری مردم افغانستان که قرن ها اصطلاحات و عنعنات گفتاری و نوشتاری معمول و مروج سرزمین ما باشد، دست به کار گردیده است. بدون شک آنچه را ایران درین راه در کشور ما مصرف مینماید، دقیقاً با همین سرمایه ای که از عایدات نفت بدست می آید صورت میگیرد و دستگاه های مطبوعاتی افغانستان را زیر پرده تحریف آن لسان اصیل قرار میدهد. جای نهایت افسوس است که امروز مؤسسات خبری و مطبوعات وسیع ملت افغانستان در زیر چادر کثیف فرهنگستان ایران که با اختراعات مستهجن لغت سازی و اصطلاح سازی تیشه بر ریشه یک کلتور غنی و یک لسان قدیمی، مروج و اصیل میزند، قرار گرفته اند!

متأسفانه آنانیکه در حیطه خدمتگزاری به ایران از همان عصر شاه ایران و وابستگی به دستگاه «ساواک» آن قرار داشتند، با اینهمه حوادثی که در منطقه و بر مملکت و مردم بینوای افغانستان عارض گردید، چنین وابستگی غیر ملی را تا الآن ادامه داده اند و با ظهور رژیم آخوندی، همچنان به رشته آویخته به آنان، تخریبات بنیادی وسیعی به کلتور و لسان ارزشمند دری افغانستان وارد می سازند. این سوگند خوردگان به غیر در قالب های اخبار نویس، مشاوریت و آموزگاری در تلویزیون های نو بنیاد و حتی مقام های بالای دولت افغانستان تا حدود وزارت، قرار گرفتند. اینها با همان عایدات سرشار نفت ایران که باید برای رفع فقر و ایجاد یک اقتصاد سالم برای ملت ایران بکار میرفت، تهداب فرهنگ و کلتور مملکت خویش افغانستان را از ته ویران کردند و با همکاری هزارن مانند اینها، افسوس که امروز ما آنقدر اصطلاحات و لغات اختراعی فرهنگستان ایران را در مطبوعات خویش مشاهده مینماییم که تصور میشود که گویا همه را از سالها داشته ایم. نسل جوان افغان که با

شنیدن و خواندن آنچه را به جانشینی دری خودشان در مطبوعات کشور دریافت مینمایند، دردا که به تدریج فرقی را درین زمینه نمی یابند و به کلمات بیگانه غیر ضروری عادت می نمایند.

بدون تردید آنچه در مورد استحاله لسانی و تخریب زبان شریں و اصیل دری افغانستان به وجود آمده است، جز خیانت و فرهنگ ستیزی یک ملت اسم دیگری نمیتواند داشته باشد که عمال منحرف چنین حرکتی هم روزی به جزای اعمال شان خواهند رسید و نتیجه **واکنش ها، تنش ها و چالش** های بی ریشه، بی مورد غیر ضروری را خواهند گرفت.

امروز با تعزیرات اقتصادی نهایت وسیع امریکا و بیشتر ممالک جهان بر ایران، لانه کثیف و پوشالی آخوند های مزور و قدرتمندی مجازی آن قشر غیر ملی، مانند اتحاد شوروی سابق از عمق فساد و کجروی های خود آنها از هم خواهد پاشید و سرنوشت بهتری نصیب مردم آن دیار خواهد گردید. به امید آنروز.

پایان

